

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۰۲ اکتوبر ۲۰۱۵

آیا جنگی را که طالب به عهده دارد می توان جنگ طالب نامید؟

چهارده سال از زمانی می گذرد که طالب آخرین و قوی ترین پایگاه خویش، یعنی ولایت کندهار را بعد از حملات سنگین هوایی امریکائی ها از دست داد و راه فرار و پناه بردن به آغوش پاکستان، یکی از حامیان، از میان چهار حامی و آفریننده خویش را، در پیش گرفت.

مردم در آن زمان فکر می کردند که از شر طالب برای همیشه رهایی یافته اند و امریکائیان، این گروه مذهبی به غایت کهنه اندیش و وابسته به عربستان و پاکستان را به جرم حمایت از اوسامه بن لادن، رهبر گروه تروریستی القاعده، که دولت امریکا او را طراح اصلی حملات مرگبار روز یازده سپتمبر سال ۲۰۰۱ در امریکا می دانست، برای همیشه محو و نابود کرده اند.

این اندیشه، با نصب حکومت کرزی و سهیم ساختن گروه های زیادی از احزاب سیاسی - اسلامی به اصطلاح مجاهدین در این حکومت، ازدیاد روز افزون نیرو های نظامی امریکا در کشور، سرازیر شدن میلیارد ها دالر به نام کمک برای نوسازی و باز سازی افغانستان، استقرار نیرو های ناتو در این کشور به نام سهم گیری در جنگ با تروریسم و کمک به نیرو های امریکائی، رفت و آمد های پی در پی و چشمگیر دیپلماتیک و نظامی و حضور ده ها مشاور اداری - سیاسی و نظامی غربی در افغانستان به منظور دادن مشوره و رهنمائی حکومت در امر دولت داری و... در اوائل بسیار محکم و قوی بود.

ولی پیدایش طالب، بعد از کمابیش یک سال در محلاتی در سرحدات افغانستان - پاکستان و حمله بر دهات و قصبات و گرفتن راه ها و متوقف ساختن وسائط نقلیه و به سرقت بردن پول و سائر اشیای قیمتی آن ها و اختطاف مسافران بس ها و کشتن افراد بی گناه و غیر نظامی و حملات انتحاری بلاوقفه و کور کورانه طالب که با گذشت زمان رو به فزونی و گسترش بود، مردم را بر آن داشت که نسبت به آنچه در اوائل فکر می کردند، تجدید نظر کنند.

ناکامی های غیرواقعی و خود خواسته پی در پی دولت دست نشانده و حامیان گونه گونش در امر مبارزه علیه طالب و تروریسم و کشت ترپاک و تولید هروئین، که از جمله چهار هدف اساسی حمله به افغانستان (مبارزه با تروریسم، جنگ برای محو مواد مخدر، دموکراتیزه ساختن افغانستان و تأمین حقوق بشر) محسوب می شد، همراه با پیدایش فساد مالی - اداری - اخلاقی و رشد بی رویه آن به سر خوردگی مردم بیشتر از پیش دامن زد، تا این که بسیاری از مردم به این باور رسیدند که همه آنچه آمد و گذشت و می گذرد، نمایش و تظاهری بیش نیست و ادعای دروغین مبارزه با تروریسم و مواد مخدر تنها پوششی است برای پنهان داشتن اهداف کلان تری که باید از افغانستان، من حیث پایگاه و تخته پرشی

برای برآوردن آن ها استفاده گردد؛ و طالب نیز یکی از اضلاع تشکلی است که در این بازی چرکین نقش تدارک کننده گوشت دم توپ، و دلیلی برای بهانه حضور نیرو های خارجی در کشور را بازی می کند.

حضور دو باره طالب در صحنه سیاسی - نظامی کشور طرحی بود برای پیچیده ساختن اوضاع و بهانه برای پایش یا ماندن نیرو های خارجی در افغانستان غرض پیشبرد مقاصدی که امریکائیان از چندین دهه آن را طراحی نموده و در صدد تطبیق آن بودند. در غیر آن آیا قابل تصور است که امریکائیان با این همه قدرت نظامی و توانائی های مالی و نفوذ سیاسی در جهان نتوانند ریشه تروریسم را در این منطقه از بیخ و بن بسوزانند و کشت و تولید تریاک و هروئین را به کلی از بین ببرند و جلو قاچاق آن را بگیرند؟

از زمان به وجود آمدن اتحاد شوروی امریکائیان برای از بین بردن این اتحادی از کشورها، پلانی را طرح و روی دست گرفته بودند که باید در دو مرحله به منصه اجراء گذاشته می شد: اول پارچه پارچه ساختن اتحاد شوروی که متشکل از چهارده کشور، جمع فدراسیون روسیه بود؛ و دوم، بعد از تطبیق این پلان، طرح از بین بردن فدراسیون روسیه و تقسیم آن به کشور های متعدد و کوچک برای پیدا کردن جای پائی در درون سرزمینی فعلی روسیه و سرزمین های شوروی سابق و کنترل چین و روسیه، به خصوص چین، که اینک در راه تبدیل شدن به رقیب های اقتصادی و نظامی برای امریکا و اتحادیه اروپا هستند.

به از دیاد کشت تریاک و تولید هروئین و قاچاق آن به گونه مثال و مختصر اشاره می کنیم:

فرض کنیم که برخی از دهقانان افغانستان دست به کشت تریاک می زنند، نگارنده منکر این امر نیست، و دولت دست نشانده، امریکائیان، ناتو یا نیروهای ائتلاف به راستی توان جلوگیری از کشت آن ندارند؛ اما آیا قاچاق این ماده (که عمده‌آ به شکل هروئین تبدیل می گردد) هم به وسیله همین دهقانان به اروپا و امریکا صورت می گیرد؟

اگر نه، پس این مواد چگونه و از کدام طریق به کشور های غربی که عمده ترین مصرف کننده آن می باشند، قاچاق می شود؟ آیا جهان غرب از شناخت این قاچاقبران و شناسائی راه انتقال آن به اروپا و امریکا عاجز است؟ خریداران این مواد در جهان بیشتر کی ها هستند؟ فروشندگان آن کدام مردم و از کدام کشور ها هستند؟ اساساً فلسفه و قصد به وجود آوردن سازمان ها امنیتی دولتی برای چیست؟ آیا این همه اداره با هزاران پرسونل و میلیارد ها دالر مصرف در سال قادر نیستند جلو قاچاق و ورود و خرید و فروش و استفاده این مواد کشنده را از مبدأ تا مقصد، از جایی که کشت می شود تا جایی که به مصرف می رسد، بگیرند؟

همینگونه باید پرسیده شود که کی و چگونه و برای چه مقصدی هزینه های مالی گروه طالب و گروه های همانند وی را که سر به ده ها تا می زنند از نگاه مالی تأمین می کنند؛ و کی ها این ها را تجهیز نظامی می نمایند؟

آیا سیاستمداران امریکائی و شرکای اروپائی و استرالیائی و آسیائی و افریقائی آن ها از شناخت آنانی که این تجهیزات یا این همه پول را در اختیار طالب می گذارند نیز عاجز و ناتوان اند؟ و به عنوان آخرین سوال، آیا سیاستمداران غربی کلاً و مجموعاً قادر به این نیستند که حامیان مالی و تسلیحاتی طالب را وادار سازند تا دست از کمک های مالی و نظامی به طالب و سائر گروه ها تروریستی بردارند؟

با کدام عقل و منطق و برهانی بگوئیم؛ نه، سیاستمداران جهان غرب توان این کار را ندارند؟

همه می دانیم که کشور هایی که همین اکنون به نام مبارزه علیه تروریسم و مواد مخدر در افغانستان حضور دارند، اگر بخواهند، توان این کار را دارند که هم طالب را سرکوب کنند و هم جلو کشت خشخاش را بگیرند، ولی نمی خواهند که این کار را بکنند، زیرا در پشت این ناتوانی انتزاعی - ظاهری اهدافی نهفته است.

آیا سیاستمداران غربی از ماهیت اصلی و سرشت ضد انسانی و ذهنیت خرافاتی و ارتجاعی احزاب به اصطلاح اسلامی - جهادی بی خبر بودند؟ خیر! ولی باوجود این چرا سیاستمداران غربی این گروه های تندرو قرون وسطایی وحشی و جنایتکار را بر گرده مردم آرام و بی آزار و بی چاره افغانستان سوار کردند؟

سیاستمداران غربی، علی الخصوص امریکائیان، نه تنها این احزاب (و مجاهد) را آفرینند، که مستقیم یا غیرمستقیم زمینه ساز آفرینش ده ها گروهی همانند، و در برخی موارد خیلی شرارت پیشه تر از آن ها را (منظور از مجاهد در اینجا تنها رهبران و فرماندهان تندرو، سیاست زده، و سودجو، فاسد، جنایت کار، جاسوس و نوکر بیگانه است، نه مردمانی که با نیت پاک و بدون مدعا برای رهایی کشور خویش علیه شوروی زمان و دولت دست نهانده آن به مبارزه برخاستند) همچون طالب و عبدالله عزامی ها و النصر و القاعده و الشباب و لشکر طیبیه و شبکه حقانی و داعش و امثالهم شدند!

چرا؟ چون به وجود مجاهد و گردان عبدالله عزام و حقانی و القاعده و.. برای شکست شوروی در افغانستان نیاز داشتند. چون به وجود طالب برای تأمین امنیت در افغانستان برای انتقال مصون لوله های نفت از ترکمنستان به پاکستان و هند، از طریق افغانستان، احتیاج داشتند. چون قصد ناآرام ساختن کشور های مسلمانان هم سرحد با روسیه، مثل تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و.. و تحت فشار قرار دادن روسیه را داشتند. چون می خواستند در مناطق مسلمان نشین چین ایجاد ناآرامی و شورش کنند. چون می خواستند افغانستان طالبانی را به عنوان خار بغل ایران متمرّد در اختیار داشته باشند. و بالاخره، چون حاضر شده بودند شرائط پاکستان و عربستان سعودی را برای برآوردن اهداف این دو کشور، به مثابه شرکای ستراتیژیک خویش، که در واقع ممد خواسته های خود امریکائیان بودند، قبول و برآورده سازند. امریکائیان در هیچ یک از دو جنگی که عساکرش را به افغانستان اعزام داشتند، جنگ با تروریسم و مبارزه علیه مواد مخدر، نه صادق بود و نه مصمم.

طالب دشمن امریکا نیست، همانگونه که یکی از سیاستمداران امریکائی باری به صراحت این سخن را ابراز داشته بود!

جنگ طالب هم در واقع جنگی نیست که در اصل و در اساس طاب آن را به راه انداخته باشد. این جنگ، جنگ طالب نیست؛ جنگ امریکا و شرکای اروپائی و عرب و پاکستانی امریکاست که با در برابر هم قرار دادن یک ملت، برادر علیه برادر، و خون یکی را به وسیله دیگری ریختن، آن را به پیش می برد. روشن ترین دلیل حمایت قاطع کرزی و اینک حمایت دولت موجود از طالب است!

سقوط کندز نمایانگر همکاری نیروهای دولتی با طالب می باشد. بر طرفی والی کندز، استجواب مسؤولین امنیتی کشور، همه نمایشی بیش نیستند. و الا چگونه دولت از پلان حمله طالب به کندز بی خبر می ماند؟ در اخبار امروز گفته شد که عطا محمد نور، سرپرست ولایت بلخ گفته است که از تدارکات و حمله طالب به کندز قبل از این که حمله به کندز صورت بگیرد، شخصاً به رئیس جمهور و رئیس اجرائیه و بعضی از مقامات مسؤول امنیتی کشور اطلاع داده بود.

چنین خبری به احتمال بسیار زیاد نمی تواند دروغ باشد. اگر این خبر دروغ نیست و خبر حمله طالب قبلاً به گوش مقامات دولتی رسیده بود، چرا رئیس جمهور و رئیس اجرائیه و مقامات مسؤول امنیتی کشور هیچ گونه اقدامی برای جلوگیری چنین حمله ای به کندز نکردند و از سقوط آن به دست طالب جلو گیری نشد؟ جواب آن روشن است:

همه زیر یک چتر قرار دارند و جنگ موجود در واقع جنگ امریکاست، نه جنگ طالب. جنگی که بسیاری از جوانان خوش قلب ما را به نام دفاع از وطن قربانی آرمان های جهانخواهانه امریکائی ها می سازد. جوانانی که اگر شناخت

دقیق از بازی های شیطانی امریکا و نقشه های ردیلا نه پاکستان و ایران و عربستان می داشتند، شاید به جای دفاع از
منافع بیگانه و خدمت به دشمنان وطن راهی را انتخاب می کردند که جانبازی ها و قربانی های شان در راه نجات
راستین کشور و مردم از توطئه های رنگارنگ خارجیان می بود!!

۲۰۱۵/۱۰/۰۱